کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۱۱۰، دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵

دریافتِ حق بیمهٔ بیکاری متناسب با هزینهٔ سبد معیشت حق مسلم همهٔ کارگران و زحمتکشان است.

یکی از پیامدهای تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیست اسرائیل به میهن ما بیکاری گسترده میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان فکری و یدی است. این زحمتکشان بدون میل و اراده‌شان در اثر خسارت‌های ناشی از جنگ کارشان را از دست داده‌اند. در چنین شرایطی علاوه بر اجرای یک قانون عادلانه بیمه بیکاری برای همه زحمتکشان، تامین معیشت میلیون‌ها کارگر که کارشان را از دست داده‌اند و لزوماً زیر پوشش قانون نیم‌بند بیمه بیکاری جمهوری اسلامی نیستند از مطالبه‌های فوری و اصلی طبقه کارگر و زحمتکشان است و بدون تحقق آن در شرایط بحرانی جنگ و قطع شدن پرداخت دستمزدها، ابتدایی‌ترین نیازهای اکثر کارگران و زحمتکشان بیکار شده و خانواده‌های آنان برآورده نخواهد شد.

پیش از شروع جنگ، دولت پزشکیان بر آن بود تا قانون نیم‌بند بیمه بیکاری جمهوری اسلامی را بدون در نظر گرفتن منافع طبقه کارگر اصلاح کند و با در نظر داشتن منافع کلان‌سرمایه‌داری انگلی، رانت‌خوار، و غیرمولد بر محدودیت‌های این قانون ضدکارگری بازهم بیفزاید. در موقعیت بحرانی کنونی قانون نیم‌بند بیمه بیکاری جمهوری اسلامی فقط بیمه شدگان تامین اجتماعی‌ای که مشمول قانون کار جمهوری اسلامی هستند را زیر پوشش قرار می‌دهد و اکثر بیکاران شرایط بحرانی جنگ را شامل نمی‌شود. آمار موجود نشان می‌دهد فقط بین ۷ تا ۱۵ درصد کارگران زیر پوشش بیمه بیکاری هستند. با این وجود علیرضا محجوب، دبیرکل تشکل حکومتی خانه کارگر با استناد به تعداد پرونده‌های بیکاری ارجاع شده به سامانه بیمه بیکاری برخلاف واقعیت ادعا می‌کند شمار بیکاران ناشی از بحران جنگ کم‌تر از تعداد واقعی آن است و می گوید: "تنها ۱۳۶ هزار نفر به‌صورت مستقیم به دلیل آسیب نظامی به صنایع و واحدهای اقتصادی از کار بیکار شدند." یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز ادعا کرده است آمار "بیکاری دو میلیونی" در اثر جنگ حقیقت ندارد. بدیهی است آمارهای غیرواقعی حکومتی بیکاران غیرمستقیم جنگ و کارگران قراردادموقت، ارکان ثالث، و کارگران پروژه‌ای و بدون قرارداد را که تعدادشان بسیار زیاد است زیر پوشش قانون نیم‌بند بیمه به‌حساب نمی‌آورند.

با اجرای سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری حکومت جمهوری اسلامی که سال‌ها است منافع کارگران را پایمال می‌کند، امنیت شغلی برای کارگران وجود ندارد. هم‌اکنون بیش از ۹۶ درصد قراردادهای کار در کل کشور قراردادهایی موقت هستند. در چنین شرایطی که

ادامه در صفحه ۲

بازنشستگان و مستمری‌بگیران بر اثر جنگ فقیرتر شده‌اند!

نزدیک به دو ماه بعد از تصویب و ابلاغ دستمزد کارگران شاغل از سوی دولت، به‌جای استفاده از ماده شفاف ۹۶ تامین اجتماعی، مدیرعامل تامین اجتماعی مصطفی سالاری با استفاده از تشکل زرد حکومتی کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی به دنبال "تشکیل یک کمیته برای بررسی چگونگی افزایش مستمری بازنشستگان در سال ۱۴۰۵" بود. فعال صنفی بازنشستگان یدالله فرجی ۱۶ اردیبهشت‌ماه عملکرد تامین اجتماعی را "اتلاف وقت"، "راه‌حل‌های فرسایشی"، و "بوروکراسی‌های فرسایشی" توصیف کرد. در حال حاضر سبد معیشت حداقلی زحمتکشان ۸۰ میلیون تومان در ماه است، علاوه بر وضعیت دردناک دارو و درمان بازنشستگان، میانگین مستمری حدود ۵ میلیون بازنشسته تامین اجتماعی حدود ۱۴ میلیون تومان در ماه است. درنهایت، روز ۲۱ اردیبهشت‌ماه، نصرالله دریابیگی، نایب رئیس تشکل زرد حکومتی کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی از دیدار اعضای تشکل خود با مجموعهٔ اعضا و رئیس هیئت مدیره سازمان تامین اجتماعی در راستای پیگیری افزایش حقوق و صدور احکام بازنشستگان خبر داد. دریابیگی همچنین وعده حل مشکل فقط مستمری بازنشستگان در آخر اردیبهشت را داد. در یورشی تازه به مستمری بازنشستگان، کمیسیون اجتماعی مجلس تصمیم گرفته به‌جای میانگین دو سال آخر اشتغال، محاسبه مستمری بازنشستگی بر اساس میانگین اشتغال ۳۵ سال آخر کارگران تعیین شود. با ضدکارگری خواندن طرح کمیسیون، علی یارمحمدی، فعال صنفی کارگران ۲۰ اردیبهشت‌ماه با ارائه حداقل حقوق ۳۵ سال اخیر کارگران و جمع آن‌ها و تقسیم کل مبلغ به دست آمده به ۳۵ سال، رقمی کمتر از ۲ میلیون تومان به‌دست آورده است. با حداقل سبد معیشتی ۸۰ میلیون تومان در ماه، مجلس‌نشینان مرتجع به غارت منابع ملی و غارت تقریباً تمام صندوق‌های بازنشستگی قانع نیستند.

در رابطه با صدور احکام بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری، ۱۱ اردیبهشت‌ماه، محمدرضا انتظاریان، نماینده بازنشستگان آموزش و پرورش خراسان شمالی گفت: "در این حکم صادره برای بازنشستگان کشوری، فعلاً فقط مبلغ‌هایی به‌صورت کلی درج شده و افزایش‌های ناشی از نوع گروه، ایثارگری، حق مدیریت، اثر مدرک، مبالغ خدمت سنوات اضافه بر سی‌سال، همسان‌سازی و رتبه‌بندی، افزایش سنواتی و... با جزئیات درج نشده که این مسئله، دست پرداخت‌کنندگان حقوق بازنشستگان کشوری را در ایجاد رانت و خطاهای غیرعمدی و عمدی ناشی از سوءمحاسبه حقوق باز می‌کند." مانند دیگر صندوق‌های بازنشستگی، کارگزاران رژیم ولایی صندوق بازنشستگی صنعت فولاد را نیز غارت کرده‌اند.

ادامه در صفحه۲

بارِ بحرانِ ناشی از جنگ بر زندگی زحمتکشان سنگینی می‌کند!

وضعیت حاکم بر کشور درپی تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیست اسرائیل با بحرانی چندلایه روبه‌روست. با وجود اینکه آتش‌بسی موقت برقرار است تنش‌ها در حوزه خلیج‌فارس به‌ویژه با سیاست محاصرهٔ دریایی از سوی آمریکا نشانگر شکننده بودن اوضاع فعلی و خطرات ناشی از امکان دور جدید تجاوز نظامی به‌میهن ماست. بحران اقتصادی همراه با تورم فزاینده زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر و زحمتکشان را بیش از پیش به‌وخامت کشانده‌است. این درحالی‌است که کلان سرمایه‌داری ایران با تکیه بر ابزارهای خود در دستگاه حاکمه به ثروت‌اندوزی و انباشت سرمایه به‌قیمت فقر اکثریت مردم ادامه می‌دهد. هم‌زمان با رشد نرخ تورم سرمایه‌داری بزرگ تجاری و سرمایهٔ بوروکراتیک با کوبیدن بر طبل تنش و اخلال در نظام توزیع کالا در کشور سودهایی هنگفت کسب می‌کنند.

اکثر مردم میهن ما یعنی میلیون‌ها نفر از کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، تهی‌دستان جامعه، و بازنشستگان و مستمری‌بگیران که پیش از جنگ برای تامین نیازهای زندگی خود با چالش‌هایی طاقت فرسا روبه‌رو بودند، اکنون نیز بار سنگین بحران جنگ را بر دوش خود می‌کشند.

توقف تولید و ارایه خدمات، در پی نابودی صدها واحد تولیدی و خدماتی در جنگ و افزون بر آن‌ها

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی سازمان دهی جنبش اعتصابی سراسری کارگران ایران!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

ادامهٔ بارِ بحرانِ ناشی از جنگ بر زندگی ...

قطع اینترنت توسط حکومت جمهوری اسلامی، میلیون‌ها نفر از کارگران و زحمتکشان را با بیکاری، تعویق و یا کلاً قطع پرداخت دستمزدها روبه‌رو کرده است. دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی سال‌ها با اجرای برنامه‌های اقتصادی تعدیل ساختاری از جمله مقررات‌زدایی از قوانین کار و اشتغال، خصوصی سازی، حذفِ یارانه‌ها، و آزادسازی قیمت‌ها باعث شده‌اند که دشواری‌های معیشتی زحمتکشان در شرایط بحرانی جنگ به‌میزانی غیرقابل‌تحمل افزایش یابد. روشن است که اکنون نیز با ادامه سیاست‌های مبتنی بر نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری، برنامهٔ اقتصادی و اجتماعی‌ای ملی برای یاری رساندن به طبقه کارگر و زحمتکشان در اوضاع بحرانی جنگ وجود ندارد. درنتیجه، جبهه دفاع از حق حاکمیت ملی و استقلال کشور در مقابل نیروهای تجاوزگر امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار اسرائیل نیز تضعیف می‌شود. سمت‌گیری اقتصادی- اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی در طی سال‌های چهار دههٔ اخیر در تمام عرصه‌ها منافع پایگاه طبقاتی رژیم ولی فقیه یعنی سرمایه‌داران غیرمولد و رانت‌خوار را تامین کرده است. در مقابل، منافع ملی و تامین حداقل شرایط معیشت اکثریت مردم - یعنی طبقه کارگر و زحمتکشان را که بسیاری از آنان این روزها در صف اول دفاع از میهن، تولید، و ارایه خدمات و امدادرسانی به مردم هستند، مدت‌هاست که نادیده گرفته می‌شوند. بر اساس گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم نقطه به نقطه فروردین‌ماه ۱۴۰۵ در بخش عرضه و تقاضای کالا (بدون احتساب خدمات) ۹۵/۷ درصد و نرخ تورم نقطه‌ای کل ۶۷ درصد، و نرخ تورم سالانه به ۵۰/۶ درصد رسیده است. درهمان حال دستمزدهای بسیار کم‌تر از هزینه سبد معیشت و نرخ واقعی تورم تعیین و اعلام شده است. بررسی آمارهای قابل استناد و موثق نشان می‌دهد اجرای سیاست‌هایی مانند جراحی اقتصادی باعث شده پیش از شروع جنگ، ۱۰ درصد لایه‌های پر درآمد بالایی حدود نیمی از درآمد کشور را کسب کنند، و سهم نیمی از مردم که طبقات پایین را شامل می شوند حدود ۱۸ درصد از کل درآمد باشد. در چنین جامعه‌ای که اختلاف طبقاتی و گسترش نابرابری ثروت و درآمد بیداد می‌کنند، طبیعتاً بحران‌ها و اوضاع سخت معیشت بیش از همه طیف گسترده زحمتکشان شهر و روستا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با شروع جنگ و تجاوز امپریالیسم طبیعتاً شکاف طبقاتی ژرفش پیدا کرده است. برای میلیون‌ها خانوار کارگری قطع درآمد همزمان با افزایش سرسام آور قیمت‌های ارزاق عمومی آینده‌ای نامعلوم را پدید آورده است. علاوه بر نابرابری فاحش درآمدها، اجرای سیاست تعدیل ساختاری در تمام عرصه‌ها کار و زندگی زحمتکشان را به‌وخامتی بیشتر کشانده است.

ابلاغ افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزد کارگران با بیش از یک ماه تأخیر پس از تصویب آن در شورای عالی کار در ۲۴ اسفندماه سال گذشته انجام شد و آن هم به‌صورتی که طبیعتاً هیچ تناسبی با هزینه سبد معیشت نداشت. کارگران با حداقل مزد روزانه خود در این ابلاغیه در سال ۱۴۰۵ که در حدود ۵۵۴ هزار تومان تعیین شده است به تامین ابتدایی‌ترین نیازهای خود و خانواده‌های‌شان قادر نیستند. مقررات زدایی گسترده و عدم اجرای قانون نیم‌بند کار جمهوری اسلامی در مورد قرار دادها نیز باعث شده است اکثر کارگران که با قرارداد موقت استخدام شده‌اند از بیمه بیکاری نتوانند استفاده کنند. با وجود ادعای پزشکیان به‌مناسبت روز کارگر مبنی بر این که شرکت‌های پیمانکاری با "دستور" او برچیده خواهند شد، فعالیت مخرب آن‌ها ادامه دارد. بسیاری از شرکت‌ها و پیمانکارهای دلال نیروی کار اکثر کارگران را با قرارداد موقت استخدام کرده‌اند و در دوران بحرانی جنگ، کارگران را پس از اتمام قرارداد کار، به بهانه‌های گوناگون مانند کمبود مواد اولیه و یا نوسان‌های برق، اخراج می‌کنند و درنتیجه فقط تعدادی محدود از کارگران مشمول قانون کار برای دریافت مقرری ناچیز بیمه بیکاری به اداره کار ارجاع می‌شوند. در هفته‌های اخیر ده‌ها هزار نفر در صنایع راهبردی مجتمع های گاز، پتروشیمی، و پولاد بیکار شده‌اند. بر اساس برآوردها، در پی تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار اسرائیل بیش از یک میلیون شغل از اقتصاد کشور حذف شده است و بین ۲ تا ۴ میلیون نفر به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم کارشان را از دست داده‌اند.

نقش ویرانگر خصوصی‌سازی در وارد کردن فشارهای معیشتی در طی بحران‌های ناشی از جنگ نیز به‌روشنی دیده می‌شود. با شروع جنگ بسیاری از کارفرماها در واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی از فرصت استفاده کردند و تدریجاً مزایای کارگران را حذف کردند. با واگذاری واحدهای تولیدی به بخش خصوصی مدت زمان درازی طول نمی‌کشد تا مزایای کارگران لغو یا کاهش یابد. از کیفیت غذا و ایمنی محیط کار گرفته تا پرداختِ به‌موقع دستمزدها، و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، همگی بخش‌هایی از خواست‌هایی هستند که در ایام جنگ کارفرما به باد فراموشی می‌سپاردشان و کارگران با کوچک‌ترین اعتراض به این چشم بستن کارفرما به مطالبه‌های خود کارشان را از دست می‌دهند.

با ارزیابی واقع‌بینانه از وضعیت موجود از وظیفه‌های فوری جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی مبارزه برای برقرار شدن صلح و به‌موازات آن دفاع قاطع از استقلال و حق حاکمیت ملی و نیز پیکار با استبداد و اختناق است. بی‌گمان رها شدن از بختک جنگ و تجاوزگری امپریالیسم ضمن آنکه از خواست‌های مهم جنبش کارگری است زمینه‌های گسترش مبارزات سیاسی و صنفی را که با جنگ تا حدودی تضعیف و منجمد گردیده است را درعین‌حال می‌تواند فراهم سازد. بازسازی صنایع راهبردی و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها از دیگر خواست‌های فوری طبقه کارگر میهن ما در این مقطع زمانی است. این خواست با موضوع صلح گره خورده و ارتباطی تنگاتنگ با آن دارد. تشکل طبقه کارگر در سازمان‌های پایهٔ طبقاتی‌اش یعنی سندیکاها هم‌زمان با مبارزه سیاسی برای حرکت به‌سمت برپایی جمهوری ملی و دمکراتیک در مرحلهٔ پساجنگ و بازسازی صنایع اهمیتی جدی دارد. بدون اتحادِعملِ فراگیر، بدون استقلالِ عملِ طبقاتی، و بدون سازمان‌یابی کارگران در دو عرصهٔ سیاسی و صنفی، کلان‌سرمایه‌داریِ آزمندِ ایران حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان را بیش از گذشته پایمال می‌سازد و سرکوبگری را در برابر مطالبه‌گریِ بحقِ طبقه کارگر و مدافعان سیاسی‌اش تشدید خواهد کرد.

مبارزه برای برقراری صلح و دفع تجاوز از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های لازم برای گسترش مبارزهٔ طبقه کارگر برای دستیابی به خواست‌های صنفی- سیاسی است. به اخراج کارگران و برنامهٔ ضد کارگریِ "تعدیلِ نیروی کار" پایان دهید!

ادامهٔ دریافتِ حق بیمهٔ بیکاری ...

کارگران استخدام می‌شوند با وجود اینکه کارگر حق بیمه بیکاری‌ای را پرداخت می‌کند که کارفرما فقط ۳ درصد از آن را تقبل می‌کند، پس از پایان یافتن مدت قرارداد کارگر از نظر قانونی حکومت در پرداخت حق بیمه بیکاری به کارگر اجباری ندارد. از طرفی دیگر در قانون بیمه بیکاری سابقهٔ ۶ ماه پرداخت بیمه بیکاری لازم دانسته شده است، الزامی که با وجود انجام شدن تغییرهایی در کاهش این مدت باز هم باعث می‌شود در وضعیت بحرانی جنگ فقط عده‌ای قلیل از کارگران از حق بیمه بیکاری بتوانند استفاده کنند. درمجموع، در اثر اجرای سیاست ضدکارگری مقررات‌زدایی دولت جمهوری اسلامی، اکثریت زحمتکشانی که در اثر جنگ کارشان را از دست داده‌اند، و از ابتدا با قراردادی رسمی استخدام نشده بودند، از زیر پوشش قانون بیمه بیکاری قرار گرفتن بهره‌مند نمی‌شوند. نبودِ پوشش بیمه بیکاری برای میلیون‌ها تن از زحمتکشان واقعیتی غیرقابل‌انکار و دردناک است. برای مثال، کارگران ساختمانی، کارگرانی که اکثراً با قراردادموقت یا اساساً بدون قراردادی مکتوب برای کارفرماها کار می‌کنند زیر پوشش بیمهٔ بیکاری نیستند. توقف تعدادی چشمگیر از پروژه‌های ساختمانی-بر اثر تجاوز نیروهای خارجی- بیکار شدن شماری بسیار از کارگران در این بخش از اقتصاد کشور را به‌دنبال داشته است. حق بیمه بیکاری اگر پرداخت شود فقط ۵۵ درصد میانگین حقوق کارگر بیمه شده در ۳ ماه آخر اشتغال و بیش از حداقل حقوق سال جاری است و به هر نفر تحت کفالت، ۱۰ درصد به مستمری اضافه می شود به شرطی که از ۸۰ درصد حقوق کارگر فراتر نرود. با این وجود در موقعیتی که بسیاری از کارگران علاوه بر حقوق پایه، در پیش از شروع جنگ از حق اضافه کاری و سایر مزایا نیز برخوردار بودند، حق بیمه بیکاری به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی ابتدایی‌ترین نیازهای کارگران بیکار شده و خانواده‌های آنان باشد.در اوضاع بحرانی جنگ با ادامه اجرای سیاست‌های ضدکارگری مانند آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی و نبود برنامه‌های اقتصادی‌ای حافظ منافع کارگران، دشواری‌ها در عرصهٔ گذران زندگی میلیون‌ها نفر از زحمتکشانی که دستمزد و درآمدشان را از دست داده‌اند تشدید می‌شود.

ادامهٔ بازنشستگان و مستمری‌بگیران ...

همزمان و در اعتراض به وضعیت معیشتی خود، نهم اردیبهشت‌ماه، بازنشستگان صنعت فولاد در اصفهان و تهران با برگزاری تجمع‌هایی اعتراضی مقابل ساختمان استانداری در اصفهان و مقابل صندوق بازنشستگی فولاد در تهران در مورد قطع بیمه درمان نیز گفتند: "در پاسخ به قطع بیمه درمان ما بازنشستگان، گفته‌اند متولی بیمه درمان تکمیلی بازنشستگان، صندوق فولاد نیست و توپ را به زمین شرکت ذوب آهن می‌اندازند." بازنشستگان تمام صندوق‌های بازنشستگی شرایط نامناسب مشابه معیشتی، دارو، و درمان و دیگر نیازهای زندگی خود را دارند. با سازماندهی و مبارزه‌ای متحد و پیگیر برای برقراری صلح، می‌توان رژیم فاسد ضدمردمی را برکنار و حکومت دمکراتیک ملی را برقرار کرد.

نامه مردم
ضمیمه کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

نام‌های نازدودنی
جنبش سندیکایی و چهره‌های آن

هدایت‌الله معلم، قهرمان تسلیم‌ناپذیرِ طبقهٔ کارگر ایران!

در میان رهبران و پیش‌کسوتان جنبش کارگری- سندیکایی میهن ما هدایت‌الله معلم چهره‌ای پُرآوازه و شناخته شده‌ای است. او هنوز نوجوانی بیش نبود که برای کار در راه‌آهن از زادگاه خود روستای "نیار" اردبیل عازم مازندران شد. کار دشوار در منطقه‌های کوهستانی این نوجوان حساس را با ستم و استثمار آشنا ساخت. پس از مدتی به زادگاه خود باز گشت؛ فقر گسترده در زادگاهش بار دیگر او را برای یافتن کار اما این بار راهی تهران کرد. ابتدا به‌صورت کارگر ساختمانی به کار مشغول شد و در همان حال با اراده‌ای قوی عصرها پس از ساعت‌ها کار توان‌فرسا در دورهٔ شبانه اکابر درس خواند و دوره شش ساله را با موفقیت به پایان برد. در جستجوی شغل جدید ابتدا در تأسیسات راه‌آهن و سپس کارگر در انبار نفت مشغول به کار شد؛ در همین سال‌ها جنبش سندیکایی زحمتکشان دوران اوج را می‌گذراند. این جوان کارگر که روح و جانش در آتش مبارزه با ستمکاران بی‌قرار بود، در جلسات سندیکایی کارگران شرکت می‌جست و به سخنرانی‌ها و آموزش‌های سندیکایی گوش فرامی‌داد. در همین دوره از زندگی‌اش به فعالیت در حزب طبقهٔ کارگر، حزب تودهٔ ایران، وارد شد. معرف او به حزب "رضا روستا" بود. رضا روستا از پایه‌گذاران و رهبر "شورای متحدهٔ مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران" بود. رفیق معلم چندین بار به‌دلیل فعالیت‌های سیاسی‌اش پیش از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بازداشت و زندانی شد. مدت این بازداشت‌ها طولانی نبود. سرانجام بعد از کودتای ۲۸ مرداد در ارتباط با کمیته دهقانی ورامین دستگیر و تا سال ۱۳۳۵ در زندان بود. پس از آزادی در کارخانه پارس استخدام و به کار اشتغال یافت. در این سال‌ها رفیق معلم از فعالان اصلی "سندیکای فلزکار و مکانیک" بود و در این مسیر تجربهٔ فعالیت سیاسی و سندیکایی‌اش را به جوانان مایل به فعالیت سندیکایی انتقال می‌داد. در سال ۱۳۴۶ باز هم توسط ساواک دستگیر و به‌مدت ۸ ماه در زندان قزل‌قلعه زندانی بود و بعد به زندان قصر انتقال یافت. در سال ۱۳۴۹ از زندان آزاد شد ولی باز هم به مبارزه ادامه داد. رفیق معلم از هیچ کوششی برای افشای رژیم سلطنتی و ارباب آمریکایی آن کوتاهی نمی‌کرد. او همراه گروهی از یارانش هسته‌ای انقلابی‌ای فعال را تشکیل داد. در سال ۱۳۵۴ این هسته انقلابی مخفی کشف و او به زندان معروف به "کمیته مشترک ضد خرابکاری" انتقال یافت و زیر شکنجه‌های سخت قرار گرفت. در پاسخ به بازجوی ساواک که خطاب به او گفته بود: "بازهم که آمدی اینجا؟"، با لحنی آرام و مطمئن در پاسخ گفته بود: "ولی این بار زودتر آزاد خواهم شد"! رژیم ضد کارگری شاه این کارگر قهرمان را به حبس ابد محکوم کرد. امّا انقلاب شکوهمند مردم ایران درهای زندان‌های رژیم شاه را گشود. این کارگر و سندیکالیست مبارز آزاد شد و این رژیم سلطنتی بود که تا ابد به زباله‌دان تاریخ فرستاده شد. رفیق معلم در آبان‌ماه ۱۳۷۵ که به‌دست توانای مردم از زندان آزاد گردید بلافاصله فعالیت‌های سیاسی و سندیکایی را آغاز کرد. به‌سبب شایستگی‌های سیاسی، اخلاقی، و وفاداری بی‌خدشه به آرمان زحمتکشان به عضویت کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، انتخاب شد. او در این سال‌ها به‌طور همه‌جانبه به سندیکاهای کارگری یاری می‌رساند و در فعالیت سندیکایی نقشی مؤثر داشت. او در بازسازی مجدد "سندیکای فلزکار مکانیک" و تأسیس "شرکت تعاونی" آن نقشی مهم داشت و درعین‌حال به‌دلیل سابقهٔ فعالیت، اعتمادِ کارگران به او، و آشنایی‌اش با موازین فعالیت سندیکایی، در زمرهٔ مسئولان "انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و توابع" قرار گرفت. در راه فعالیت مؤثر سندیکایی و ارتقای نقش تشکل‌های مستقل بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ تلاش خستگی‌ناپذیرش همراه با رفقا و سندیکالیست‌هایی همچون "حسین‌پور تبریزی"، "حسن جلالی"، "عزت زارع"، و دیگران فراموش نشدنی است. هدایت‌الله معلم نمونه‌ای از سنخ انقلابی‌ای خستگی‌ناپذیر، فروتن، و تسلیم‌ناپذیر در جنبش کارگری میهن ماست. جمهوری اسلامی در ادامه دادن به شیوهٔ سیاست ضد کارگری رژیم سلطنتی پهلوی تاخت‌وتاز به جنبش کارگری را تدارک دید. سرانجام رفیق هدایت معلم صبح روز ۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۲ دستگیر شد و او را به زندان و شکنجه‌گاه "توحید" یا همان "کمیته مشترک" سابق و میراث به‌جا مانده از پادشاهی محمدرضا پهلوی برای رژیم اسلام سیاسی انداختند. واپسگرایان این فرزند دلاور طبقهٔ کارگر را به‌شدت شکنجه کردند. او را یک سال زیر چشم‌بند برزنتی خشن قرار دادند. معلم هرگز تسلیم دشمنان مردم ایران یعنی گزمگان رژیم ولایت فقیه نشد. در زندان جزو مقاوم‌ترین زندانیان سیاسی بود. رفیق معلم از سازمان دهندگان اصلی اعتصاب غذای اول زندانیان سیاسی زندان اوین در سال‌های دهه شصت بود. او مبارزی بود با روحیه‌ای پولادین و نماد مقاومت، ایثار، و وفاداری به آرمان طبقهٔ کارگر ایران است. ارتجاع کارگرستیز در سال ۱۳۶۷ در جریان "فاجعهٔ ملی" کشتارِ دسته‌جمعی زندانیان سیاسی این راد مرد را نیز به‌همراه دیگر فرزندان مبارز میهن اعدام کرد. نام رفیق هدایت معلم در مقام یکی از رهبران برجستهٔ طبقهٔ کارگر و جنبش کارگری- سندیکایی ایران در تاریخ مبارزات مردم میهن ما ثبت شده است. راه و یاد او جاودانه است!

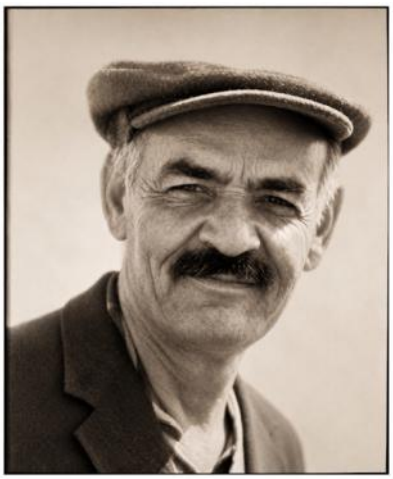

خاطره‌ای از رفیق هدایت‌الله معلم که به‌راستی معلم بود.

زندان اوین، سالن شماره ۳ ، سال ۱۳۶۳. مدتی بود فشار و خشونت زندان‌بانان بالا گرفته بود. توهین کردن، کتک زدن، قطع ملاقات، قطع هواخوری، وجز این‌ها، بدون دلیل با کوچک‌ترین بهانه‌ای هر روز عده‌ای را در وسط راهروی بند به‌تخت شلاق می‌بستند، هیچ‌کس حق نداشت در بند قدم بزند یا با دیگران صحبت کند یا اینکه با دیگران غذا بخورد و سیگار بکشد!! هرکاری به‌نظرشان جمعی بود به آن "جمع کمونی" لقب داده و اکیداً ممنوع‌شان کرده بودند. پاسداران به سالن شماره ۳ زندان اوین سالن "مسکو" می‌گفتند. به‌این دلیل که زندانیان توده‌ای و دیگر نیروهای چپ که بر سر موضع خود باقی مانده و در زندان نماز نمی‌خواندند به‌طورعمده دراین سالن و اتاق‌های دربستهٔ آن زندانی بودند. عده‌ای تواب را نیز به‌منظور کتک و توهین به زندانیان این سالن و جاسوسی کردن و گزارش‌نویسی به‌بند ما آورده بودند. این توابان گزارش‌های بلند بالا علیه همه بچه‌ها [زندانی‌های بند] به بازجوها و مسئولان بندها می‌دادند و این گزارش‌ها ضمیمه پرونده هر زندانی می‌شد. از تعداد تقریباً ۵۰۰ نفر زندانی بند، حدود ۶۵ نفر را به‌عنوان فعالان شناسایی و جدا کرده بودند و در اتاق‌هایی جداگانه در همان بند [سالن ۳ زندان اوین] نگهداری می‌کردند. یکی از این فعالان که به‌اصطلاح باید تحت نظر ویژه باشد پدر محبوب بند، رفیق کارگر عضو کمیتهٔ مرکزی حزب هدایت‌الله معلم بود. در این شرایط سخت، جشن اول ماه مه درپیش بود. هرساله بچه‌ها سالگردهای مختلف نظیر دهم مهر، انقلاب اکتبر، وجز این‌ها را پنهان از چشم گزمه‌ها جشن می‌گرفتند. اما امسال اوضاع متفاوت و به‌کلی خراب بود. با این وجود سرباز کهن‌سال کار خود را کرد... صبح روز ۱۱ اردیبهشت، رفیق معلم بهترین لباس‌های خود را پوشید. از مدتی قبل مقداری کشمش و انجیر خود را که برای این روز ذخیره کرده بود رو کرد. پاکتی هم نان سوخاری داشت. آن را هم در کنار کشمش و انجیر گذارد. خندان و سرحال بود. همهٔ ما هراسان بودیم. می‌دانستیم که اگر توابان و زندان‌بانان بفهمند، برای رفیق معلم گران تمام می‌شود. توابین سرگرم گزارش‌نویسی بودند و خوشبختانه پاسداری هم در بند حضور نداشت.

معلم شادباش گویان با همه روبوسی کرد. بچه‌ها هم متقابلاً روز کارگر را به این کارگر قهرمان تبریک گفتند. رفیق معلم گفت: "ما اغلب این جشن بزرگ جهانی را در ایران زیر سرنیزه برگزار می‌کردیم و حالا هم آن را در زیر چوبهٔ دار خمینی برگزار می‌کنیم." به‌طور فشرده و سریع از خاطراتش گفت. از برگزاری اول ماه مه در سال‌های اختناق شاهنشاهی به‌همراه رفقا "علی امید" و "شناسایی" تعریف کرد. وقت تنگ بود و ما هر آن انتظار واقعه‌ای را داشتیم... و در آخر رفیق معلم خطاب به رفقای حاضر که اغلب جوان بودند گفت: "من از لابه‌لای این میله‌های آهنی و دیوارهای بلند، روزی را می‌بینم که کارگران آزادانه در صفوفی فشرده و متشکل، دست در دست یکدیگر، سرود اول ماه مه را می‌خوانند و پای‌کوبان به‌پیش می‌روند. این صف متحد سرانجام، آخرین کلام را در تاریخ کشور ما خواهد گفت. من و هم‌قطارانم آن روز را نخواهیم دید، اما رفقای جوان در آن روز از ما هم یاد خواهندکرد."

[به‌نقل از: کتاب "شهیدان توده‌ای از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷"، انتشارات حزب تودهٔ ایران، چاپ اول ۱۳۸۱، صفحه ۴۴۵ و ۴۴۶].

اعتصاب سراسری در ایتالیا

اتحادیه سندیکاهای پایه ایتالیا: حتی یک میخ هم برای جنگ‌ها و نسل‌کشی نباید تولید شود

اتحادیه سندیکایی پایه - کنفدراسیون ملی ایتالیا (یو- اس-بی) فراخوان منتشرشده از سوی »کشتی های کمک رسانی صمود «را پذیرفته و اعتصاب سراسری روز ۱۸ مه /۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ را اعلام می‌کند. جنگ، نسل‌کشی در فلسطین، مسابقه تسلیحاتی، حمله به حقوق بین‌الملل و محدود شدن فضای دموکراتیک، ضرورت ارتقای سطح بسیج و مبارزه را آشکار کرده‌اند. حمله به »کشتی های کمک رسانی صمود«، ربودن فعالان در آب‌های بین‌المللی، مرحله‌ای تازه از تشدید بحران را نشان می‌دهد. اسرائیل با مصونیت کامل عمل می‌کند، حقوق بین‌الملل را زیر پا می‌گذارد و از حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی دولت‌های غربی برخوردار است.

امروز اسرائیل خطری برای تمام بشریت به شمار می‌رود. از نظر نظامی، زیرا جنگ را فراتر از هر مرزی گسترش می‌دهد، به کشورهای دیگر حمله می‌کند و خاورمیانه و جهان را به سوی چرخه‌ای فزاینده از درگیری سوق می‌دهد. از نظر سیاسی، نشان می‌دهد که یک دولت می‌تواند مردم را بمباران، اشغال، تبعید و گرسنه کند، فعالان بین‌المللی را برباید و تمام قوانین بین‌المللی را نقض کند و همچنان از حمایت قدرت‌های غربی برخوردار باشد. از نظر اقتصادی نیز خطرناک است، زیرا پیرامون جنگ دائمی، الگویی شکل گرفته که منابع عظیم عمومی را به سمت تسلیحات، دستگاه‌های نظامی، صنایع جنگی و کنترل اجتماعی هدایت می‌کند و آن‌ها را از دستمزدها، بهداشت، آموزش، رفاه، مسکن، بازنشستگی و حقوق اجتماعی می‌گیرد.

ایالات متحد امریکا همراه با اسرائیل جهان را به سوی جنگی دائمی سوق می‌دهند و کل خاورمیانه را از جمله از طریق حمله به ایران، بی‌ثبات می‌کنند. نسل‌کشی مردم فلسطین، محاصره غزه، ویرانی سرزمین‌ها و حمله به کشورهای دیگر، با همدستی آمریکا ممکن شده است؛ آمریکایی که از اسرائیل حمایت مالی، نظامی و سیاسی می‌کند. دولت جورجیا ملونی در ایتالیا، اتحادیه اروپا و ناتو نیز به همان اندازه مسئول‌اند، زیرا این روند را حمایت و مشروعیت می‌بخشند، وابستگی به آمریکا و اسرائیل را می‌پذیرند و جنگ را به سیاست صنعتی، هزینه نظامی و ریاضت اجتماعی تحمیل‌شده بر کارگران تبدیل می‌کنند.

آن‌ها همچنین مسئول پیامدهای اقتصادی و اجتماعی این جنگ بر زندگی کارگران هستند. هر بمب، هر مأموریت نظامی، هر توافق جنگی و هر افزایش در هزینه‌های نظامی، به معنای کاهش دستمزدها، تضعیف خدمات درمانی، آموزش، رفاه، حقوق بازنشستگی، مسکن و امنیت اجتماعی است. جنگ نه‌تنها در سرزمین‌های مورد حمله مرگ و ویرانی به بار می‌آورد، بلکه در کشورهایی که آن را تأمین مالی و پشتیبانی می‌کنند نیز موجب فقر، استثمار و سرکوب می‌شود. دولت خانم ملونی در ایتالیا راه وابستگی کامل به آمریکا، ناتو و اسرائیل را انتخاب کرده است. این دولت همدستی سیاسی، نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی با کسانی را برگزیده که مردم فلسطین را قتل‌عام می‌کنند، کشورهای دیگر را بمباران می‌کنند، فعالان بین‌المللی را می‌ربایند و حقوق بین‌الملل را نقض می‌کنند. این همدستی، دولت ایتالیا را در مرگ‌ها، ویرانی‌ها و پیامدهای اقتصادی واردشده بر طبقه کارگر شریک می‌سازد.

اتحادیه اروپا به جای متوقف کردن این روند، آن را تقویت می‌کند. از امنیت سخن می‌گوید، در حالی که اقتصاد جنگی می‌سازد؛ از حقوق بین‌الملل حرف می‌زند، در حالی که اسرائیل را پوشش می‌دهد؛ از مردم فداکاری می‌خواهد، در حالی که هزینه‌های نظامی را افزایش می‌دهد. نتیجه، قاره‌ای مسلح‌تر، فقیرتر، اقتدارگراتر و وابسته‌تر به منافع راهبردی آمریکا و صنایع جنگی است. جنگ وارد زندگی روزمره ما شده است؛ در کاهش ارزش دستمزدها، تضعیف خدمات درمانی عمومی، فقر آموزشی، کاهش رفاه، افزایش اجاره‌ها، گرانی و افزایش هزینه سوخت. هر یورویی که صرف تسلیح مجدد می‌شود، از کارگران، دانشجویان، بیماران و مزدبگیران گرفته می‌شود. این فقیرسازی فقط پیامد موقت بی‌ثباتی بین‌المللی نیست؛ بلکه نشانه شکل‌گیری مدلی اجتماعی بر پایه تشدید نابرابری، فشار بر دستمزدها، خصوصی‌سازی خدمات اساسی، نابودی رفاه عمومی، ناامنی شغلی و وابسته کردن آموزش و پژوهش به منافع صنایع و ساختارهای نظامی سرمایه‌داری است.

ما وارد مرحله‌ای تازه از سرمایه‌داری نئولیبرالیسم شده‌ایم: خشن‌تر، اقتدارگراتر و نظامی‌تر. پس از سال‌ها خصوصی‌سازی و ناامنی شغلی، اکنون جهش جدید از طریق اقتصاد جنگی صورت می‌گیرد. منابع عمومی از نیازهای اجتماعی به سمت هزینه‌های نظامی منتقل می‌شوند و ثروت تولیدشده توسط کارگران در دست گروه‌های بزرگ صنعتی، مالی، انرژی، فناوری و تسلیحاتی متمرکز می‌شود. جنگ، تسلیح مجدد، سرکوب و فقیرسازی اجتماعی بخشی از یک پروژه واحد هستند؛ پروژه‌ای برای ساختن جامعه‌ای نابرابرتر، کنترل‌شده‌تر و مطیع‌تر. در کنار این روند، حمله‌ای شدید به آزادی‌های سندیکایی و دموکراتیک نیز در جریان است. »فرمان امنیتی «مبارزات اجتماعی را جرم‌انگاری می‌کند و می‌کوشد اعتصاب‌کنندگان و معترضان را مرعوب سازد. آن‌ها کشوری فقیرتر، مسلح‌تر و مطیع‌تر می‌خواهند.

ما با اعتصاب متحد خود دولت ایتالیا را علیه نسل‌کشی در فلسطین، تسلیح مجدد، سرکوب، و همدستی ایتالیا و اتحادیه اروپا، افشا کرده و به چالش می‌کشیم. ما اعتصاب می‌کنیم تا بگوییم هیچ کارگر، دانشجو یا سرزمینی نباید به این اقتصاد مرگ کشانده شود. با اعتصاب سراسری دولت ایتالیا را فرا می‌خوانیم فوراً تمام روابط دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری و نظامی خود را با اسرائیل قطع کند. ما خواهان تحریم کامل تسلیحاتی علیه اسرائیل و همه جنگ‌ها، توقف همکاری‌های نظامی، صنعتی و فناورانه مرتبط با جنگ و پایان دادن به تمام توافق‌هایی هستیم که اشغال، نسل‌کشی و تجاوز نظامی را تغذیه می‌کنند. ایتالیا باید هرگونه همدستی را پایان دهد؛ باید تمام همکاری‌های نظامی، صنعتی، فناوری، تجاری و دانشگاهی با اسرائیل را متوقف کند، سفیر خود را فرا بخواند، نمایندگان دیپلماتیک اسرائیل را اخراج کند.

اعتصاب سراسری ۱۸ ماه مه/ ۲۸ اردیبهشت بخشی از روند گسترده‌تری از مبارزه علیه جنگ، نسل‌کشی، تسلیح مجدد، سرکوب و فقیرسازی اجتماعی است.

شعار اعتصاب پیش رو چنین است: »برای جنگ، حتی یک میخ هم نباید از کارخانه‌ها خارج شود .«ما می‌خواهیم منابع اختصاصی از جنگ گرفته و صرف دستمزدها، خدمات عمومی، بازنشستگی، ایمنی محیط کار، حق مسکن، بهداشت محلی، آموزش عمومی و پژوهش آزاد شود. ما خواهان آزادی کامل حقوق سندیکایی، حق اعتصاب، حق اعتراض، فعالیت آزاد در محیط کار و لغو تمام قوانینی هستیم که مبارزات اجتماعی را جرم‌انگاری می‌کنند. هر بخش از جبهه کار فراخوانده می‌شود تا در این مورد موضع بگیرد، سازماندهی کند، اعتصاب کند و مانع تبدیل کار و دانش به ابزار اقتصاد جنگی شود.

برای دستمزدها، رفاه اجتماعی، بهداشت، آموزش، حقوق و دموکراسی.

اتحادیه سندیکاهای پایه - کنفدراسیون ملی ایتالیا

Unione Sindacale di Base: Sciopero Generale 18 maggio: nemmeno un chiodo per guerre e genocidio

آدرس پستی: B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس سایت حزب: http://www.tudehpartyiran.org
ای-میل حزب: E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de
تلگرام حزب: https://t.me/tudehpartyirandotorg
فیس بوک حزب: https://www.facebook.com/profile.php?id=100064514717426
توییتر حزب: https://x.com/OfficialTudeh

For Peace, Independence, Democracy, Social Justice and Socialism

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

Workers Supplement of "Nameh Mardom" No. 110, 18 May 2026
Central Organ of the Tudeh Party of Iran